



(۲)

نقدی بر کتاب

(سفرنامه اصرار آباد و مازندران و گیلان و...)

تالیف میرزا ابراهیم (؟) شماره ۲۳۸ از سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

بکوشش آقای مسعود گلزاری

متن کتاب ، سفرنامه‌ای گزارش مانند است بقلم «میرزا ابراهیم» نامی بصورت دست‌آورد سفری در ایالات ساحلی بحر خزر و در فاصله سالهای ۱۲۷۶ و ۱۲۷۷ که بکوشش آقای مسعود گلزاری و پس از مقابله با چند نسخه موجود، همراه با تعلیقاتی بشکل توضیح و تفسیر بعضی از اسامی گیاهان و جانوران و رودخانه‌ها و طوایف انتشار یافته است.

تنظیم کننده این سفرنامه، کوششی قابل توجه برای توضیح اسامی مختلف موجود در کتاب، با مراجعه بمنابع متعدد ولغت نامه‌های مختلف، انجام داده، اما چون در متن اصلی کتاب هیچگونه علامتی برای راهنمایی خواننده به وجود چنین توضیحاتی قرار نداده، لذا این زحمت و کوشش، آنطور که باید و شاید نتیجه لازم را در بر نداشته و خواننده در موقع مطالعه کتاب بهیچوجه بوجود این توضیحات و راهنماییها در آخر کتاب متوجه نخواهد شد. مگر آنکه از تعلیقات شروع بمطالعه شود و برای نکات مورد نظر در متن علامت گذارد و آنگاه خواندن متن را آغاز نماید.

البته رفع این مشکل بسیار ساده بود و ایشان میتوانند در مقدمه کتاب، خوانندگان را باعلامت مخصوصی آشنا کنند که نمایانگر وجود توضیحی درباره هر اسم یا لغت ناشناخته و مورد سؤال در پایان کتاب باشد.

آقای مسعود گلزاری بهنگام رونویسی متن گویا از وجود علامات، نتیجه وضمه و کسره ، در چاپخانه مطلع نبوده‌اند زیرا با زحمت فراوان، اعراب کلمات نامأنوس را

\* آقای دکتر حسین ابوترا بیان از ترجمانان و پژوهندگان معاصر.

بصورت توضیح در زیر نویس صفحات آورده و خواننده را در قرائت اینگونه اسامی راهنمایی کرده‌اند. این توضیحات بهیچوجه ضروری نیست، زیرا تقریباً تمام کلماتی که بدینگونه درباره آنها راهنمایی شده دارای اعراب است و بمراجعه به زیر نویس برای تلفظ صحیح احتیاج نیست و با وجود کلمات «مشکول» ضرورتی برای تهیه این زیر نویس‌ها نیست. و چه خوب بود که همان تعلیقات آخر کتاب را بجای این زیر نویس‌های غیر ضروری می‌آوردند.

تعدادی زیاد از اسامی کتاب که توضیح بیشتر درباره آنها لازم بود بهمانصورت رها شده است اما برای اسامی معروف مثل: انار، انجیر، زیتون، زرشک که خاص و عام میدانند و اصولاً در هیچ کتابی برای آنها توضیحی داده نمیشود اطلاعاتی گرد آورده‌اند که جزیر کردن صفحات کتاب نتیجه‌ای دیگر ندارد. خوانندگان اینگونه سفرنامه‌ها که بدنمال نکات ناشناخته و جالب توجه و آموزنده و غیر معمول هستند بهیچوجه به داشتن اطلاعات راجع به رده‌بندی علمی گیاهان مشهور مثل گل‌پر، بادام تلخ، آلوچه، زرشک، انجیر و انار علاقه‌ای ندارند. چون در صورت لزوم - که به این سفرنامه مربوط نمیشود. هر کس بدانستن موضع درخت: «صنوبر» در رده بندی گیاهان علاقه داشته باشد میتواند بمراجعه به يك کتاب درسی «گیاه شناسی» اطلاعات جامع‌تر و کاملتر کسب کند و از يك سفرنامه ایکه در صد و بیست سال پیش نوشته شده است انتظار تحصیل مطالبی در این زمینه را ندارد. یا در مورد حیوانات مختلف، معلوم نیست چرا ایشان خواص حیوان شناسی کفایت و جوجه تیغی را که بنظر لازم نبود ذکر کرده‌اند ولی برای «ورشد» که همان گریه وحشی شمال ایران است هیچ توضیحی نیاورده‌اند. اگر بنا بود طبقه بندی تمام حیوانات مذکور در کتاب در تعلیقات ذکر شود، چرا در مورد قرقاول و کبک و گوزن و تیهو اطلاعاتی ارائه نکرده‌اند تا بطور کلی این سفرنامه بصورت راهنمای گیاه شناسی و جانورشناسی درآید؟

در کتاب نام شهرهاییست که در پنجاه سال اخیر با اسم دیگری نامیده شده است و در متن سفرنامه تنها بنام چهار شهر از این نوع برخورد میکنیم مشهد سر (بابلسر)، علی آباد (شاهی)، بارفروش (بابل) و اشرف (بهشهر) و جالب اینجاست که آقای گلزاری علاوه بر توضیح نام جدید این شهرها به وصف موقعیت، حدود و حتی طول و عرض جغرافیائی آنها نیز پرداخته و شرح مفصل درباره هر يك از این چهار شهر آورده است که اساساً ضروری نبوده و معلوم نیست بچه دلیل، داشتن نام قدیمی برای بابلسر، مزیتی برای این شهر شده که تمام اطلاعات لازمه درباره آن عرضه گردد ولی مثلاً در مورد شهرهای شاهرود، سمنان، دامغان، رشت و... که هنوز بهمان نامهای قدیمی خود موسوم است و اسامی جدید و قدیم آنها فرقی ندارد چنین تذکاري لازم نبوده است.

مهمترین نکته قابل خرده‌گیری در مورد تعلیقات آقای گلزاری، موضوع اشخاص و رجال است ایشان در مورد اشخاص و افراد مشخص که نامشان در متن سفرنامه آمده است یکجا «در مورد «محسن میرزا» میرآخور شاه ذکر میکند و تازه آنرا هم به کتاب «تاریخ رجال» بامداد حوالث میدهد در مورد اشخاص دیگری که در سفرنامه آمده است ابدات توضیح نداده‌اند و از میان این همه افراد و شخصیت‌های مختلف جائی دیگر به ذکر مناقب و کرامات دوتن از پیروان بابیه میپردازد که در ماجرای شورش شهر بار فروش و قلعه طبرسی کشته شده‌اند. آنهم در این مورد ماجرا و شرح زندگی و فعالیت‌های این دو نفر یعنی حاج محمدعلی بارفروش معروف به «قدوس» و ملاحسین بشرویه معروف به «باب‌الباب» را با توصیفی از «حروف حی» و مسافرت سیدعلی محمدباب به مکه بطور کامل نقل میکند و بعد گریزی به شرح زندگانی «قره‌العین» و مبارزات او وحتى ذکر چند بیت از اشعار منسوب باو میزند و خواننده را متحیر میسازد و این سؤال را پیش می‌آورد که مبادا، تمام منظور در تنظیم و تصحیح این کتاب همانا نوشتن تاریخچه‌ای مختصر از بایگ‌گیری و شرح جنگ و گریزهای پیروان باب در شهر بار فروش بوده است؟ و گرنه جای عجب است که آقای گلزاری به پنهان‌ه‌اش حاشیه‌نویسی بر کتاب در حدود  $\frac{1}{4}$  تعلیقات خود را باین امر اختصاص دهد و برای آنکه برای خواننده هیچ نکته‌ای مجهول نماند حتی «سال بدیع» را هم مشخص و در آخر کار نیز «کتاب» تاریخ شهدای امر» را بعنوان مکمل مطالعات بیخوانندگان معرفی نموده است، که معلوم نیست چگونه باید آنرا بدست آورد؟

همانگونه که یسار شد تعلیقات ایشان در مورد افرادی که نامشان بمناسبتی در متن کتاب آمده است و حقا شایسته معرفی بوده‌اند بکلی ساکت است ولی در عوض مطالبی دارد که نیمی از آن، مورد لزوم و استفاده نیست تازه این مطالب هم بتصدیق خودشان بوسیله آقای دکتر منوچهر ستوده گردآوری شده و شامل مقداری اصطلاحات و اسامی محلی است. در صفحه ۱۶ کتاب، آنجا که در اوصاف شهر سمنان از حاکم این شهر، بعنوان پسر سپه‌سالار نام برده شده است برای شناساندن او توضیحی نداده‌اند و شاید نمیدانستند که در آن زمان حسین خان اعتضادالملک حاکم سمنان داماد ناصرالدین شاه<sup>۱</sup> و پسر میرزا محمد خان قاجار دولو (سپهسالار اعظم)، صدراعظم بعدی ایران<sup>۲</sup> بود حق بود ایشان افرادی را که بعنوان مختلف نامشان در سفرنامه آمده است هر چند که در آن زمان از فرط شهرت کاملا شناخته شده بودند، در حواشی خود کاملا معرفی میکردند تا خوانندگان امروزی نیز آنان را بشناسند. زیرا اصول اساسی تعلیق و تحشیه متون قدیمی، معلوم ساختن همین نکات مجهول و ناشناخته است، نه ذکر «... گفتار پستانداری از راسته گوشتخواران با نام علمی ... متعلق به تیره گفتاران، دندان‌ش شبیه گربه است و غذایش منحصر از نعش یا مرده حیوانات...»

۱- اعتضادالملک شوهر والیه دختر چهارم ناصرالدین شاه ازهما خانم بود  
 ۲- میرزا محمدخان قاجار دولو (سپهسالار اعظم) از سال ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۳ صدر اعظم ایران بود.